

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social	اجتماعی
--------	---------

نعمت الله مختارزاده
۲۰۱۰/۰۷/۰۷
شهر اسن – آلمان

خطاب به رئیس. تلویزیون جهانی آریانا افغانستان!

سلام، احترام، درود و تحیات خدمت یکایک مسؤولان و فعالان محترم تلویزیون آریانا افغانستان، بخصوص رئیس محترم آن شبکه، جناب محترم نبیل غمین مسکینیار و تمام بینندگان عزیز و مهربان در سراسر جهان تقدیم است.

محترم مسکینیار صاحب!

شما با شبکه تلویزیون جهانی و مردمی آریانا افغانستان، و دست اندرکاران صادق و وطنپرست، با تمام برنامه های وزین، جالب و دیدنی، واقعاً افتخار ما افغانها در سراسر جهان هستید. شما افتخار آنهایی هستید که راجع به صدها سال بعد می اندیشند، می نویسند، نقد میکنند، به چشم ظاهر و باطن می بینند و مردم مظلوم ما را، که در چنگال خفاشان و در قید و بند لاشخوران روزگار اسیر هستند، آزاد و رهنمائی میکنند. شما افتخار اشخاصی که، سر در کف و جان بر لب، بخاطر تحکیم وحدت ملی ما افغانها، در سنگرهای انسانیت، اخلاق، نجابت و شرافت، با گفتار و بیان، نه با تیغ و سنان، و نه با راکت و خمپاره و هاون، فارغ از هرگونه تعصبات قومی، نژادی، جنسی، مذهبی، سیاسی، با هر باور، عقیده، و اندیشه ای که هستند، تحت یک شعار واحد یعنی (انسان و انسانیت، افغان و افغانیت) با تمام روح و روان و از دل و جان مبارزه میکنند، هستید. شما افتخار اشخاصی هستید که، گرچه فعلاً زندگی فزیک دارند، اما صدها سال بعد زندگی جاودانه تاریخی از آن آنهاست، شما افتخار همچو اشخاص هستید.

بگذارید یکتعداد دلکھائی که، گذشته ننگین و ارتباطات نامشروع با اعضای فامیل خود را فراموش کرده، زمینه ساز الحاد و تکفیر مردمان موحد و یکتا پرست شده با چکچکی ها و کارتکیهای خود که به قول خودشان میگویند "سر شان به تن شان نمی ارزه"، در پی تخریب و تحریم برنامه های وزین تلویزیون مردمی آریانا افغانستان، و تحقیر همکاران و هواخواهانش استند، باشند. هرچه میخواهند بگویند، بگویند. دیگر سابونهای شان به جان ملت غیور و با شهامت، با احساس و با غیرت ما کار نمیکند؛ وقت و زمانش گذشت.

نعمت الله مختارزاده
۲۰۱۰/۰۷/۰۷
شهر اسن – آلمان

عز از یلان دوران

ناخلف های منافق ، نقدِ باور میکنند
کافر استند و به مردم ، تاپه کافر میکنند
می ندانند از اصول و از فروغ کیش خود
دین را بهر دفاع خویش ، اسپر میکنند
کی به افعال و به اعمال شنیع خود نظر
پاره چشم خویش ، بر فامیل همسر میکنند
مادر زن مادرست و ، خواهر زن خواهرست
عزت و حرمت گهی خشک و گهی تر میکنند
عامل فسق و فساد و ، فاعل ریب و ریا
با تظاهر صیغه کرده شوق بستر میکنند
بر خر شهوت سوار و (می دوندی) هرطرف
فرق هرگز نه میان ماده و نر میکنند
ای (نبیل) محترم ، (مسکینیار) با وقار
تاج عزت مرترا ، ابرار بر سر میکنند
چون کبوتر با کبوتر ، زاغ با زاغ همدست
زان سبب زاغ و زغن ، آهنگ دیگر میکنند
بهر تخریب تو و برنامه های پُر گهر
با عزازیلان دوران ، زوزه ها سر میکنند
ضد شعر و شاعران و روشن و روشنگران
جاهلانہ قد علّم بر قطع حنجر میکنند
غم مخور ، زیرا خداوند است با ما و شما
بسته شد یک در ، عزیزان باز ، صد در میکنند
بلبلان و عندلیبان بر تو هر برنامه را
با ترنی و تغنی ، پر ز عبهر میکنند
بر تو می نازیم ای آزاده کیش راد مرد
باخبر ، این ناخلف ها ، کار اژدر میکنند
بر صحتمندی و جانجوری تو هر روز و شب

دوستان دست دعا ، بر سوی داور میکنند
خویش را اسپند نموده ، دشمنان را کورکن
ورنه این پست فطرتان جادو و منتر میکنند
این رعاع های یراع و ، این همج های نمج
بی سبب تعریف خود را ، فیل پیکر میکنند
فیل را بی نقطه کردم قیل ، پوکیدن گرفت
فیل سازان ، فیل را با مکر ، ابتر میکنند
با حصول پول نامشروع و مُردار و حرام
نطفه اولاد را ، وارد ز استر میکنند
عاید تریاک و چرس و سگرت و بیر و شراب
اصل و فرع دین شان گردیده باور میکنند
(طالبی) و (گلبدینی) های بی شرم و حیا
نه خجالت می کشند و ، نه بس از شر میکنند
میهن زیبای ما را ، سوختند از بیخ و بُن
حال در خاکسترش ، ایجاد محشر میکنند
خون ملت را مکیده مست بیخود گشته اند
باز میل باده و مینا و ساغر میکنند
جرگه نامشورت دارد پلانی در عقب
از خراطین ، بهر ملت ، مار و اژدر میکنند
اتمر بدجنس و امرالله ناصالح ، کنون
استعفا دادند و بعداً ترک کشور میکنند
جمله دارائی خود را ، نقد کرده زود زود
بوجی هارا پُر ز پوند و پُر ز دالر میکنند
کرزای و تریاک زای و چرس زای و رشوه زای
گورزایانند و ، قاچاق مخدر میکنند
حال فلم تازه ای ، با گلبدینی های هار
در نمایش مانده بد را خیلی بدتر میکنند
میدهند تسلیم ، اردو را ، به بادران خود
دشمن دیرینه ما را ، توانگر میکنند
از سر چوک این خبر آمد به گوش طبع من
در دهات انکشافش ، نصب اتمر میکنند
دلقکانی چند گشته ، مجری و برنامه دار
قصه سرمنگسک ، هر یک جدا سر میکنند
بهر شهرت از طریق (تی وی) اشراریان
در طویله هنگ هنگ و گاهی عرعر میکنند
میدهند القاب خیراتی به مردم مفت ، مفت
جاهلان را عالم و استاد و داکتر میکنند

گاه بی ریش و ، گهی با ریش در برنامه ها
 حلقه های بردگی ، در گوش باور میکنند
 بین مردان و زنان اهل فرهنگ جهان
 رشته های دوستی را جر و بنجر میکنند
 ناقضین و ناقضات و ، ناعقین و ناعقات
 با نعیق مفت خود ، گوش جهان کر میکنند
 فاسدین و فاسقین ، با خدعه و چال و فریب
 موثر اندیشه ها را ، سخت پنجر میکنند
 ورد شان نام خدا و ، فعل شان ضد خدا
 در لباس بره ، گرگان ، جلوه بهتر میکنند
 مغرضینی چند ، نقدی ، بر درود و بر سلام
 دور از منطق نموده ، گوش ما ، کر میکنند
 نابهنگام و به هنگام ، با شمال و باد مرگ
 ناشکن دامن خود را ، پاره و تر میکنند
 آنکه از دیروز ، تصمیمی گرفته ، بعد ازین
 واگذارد ، آنچه مردم ، زیر و از سر میکنند
 میخورم سوگند ، گر پیمان خود را بشکند
 واژه ها افشای کار خیر و از شر میکنند
 « نعمتا » لازم ، دو بیت از (حافظ شیرازی) ما
 تا بدانی تار مردم را ، کی ها جر میکنند
 ("واعظان کین جلوه بر محراب و منبر میکنند
 چون به خلوت می روند آن کار دیگر میکنند
 پرسشی دارم ز دانشمند مجلس ، باز پرس
 توبه فرمایان چرا خود توبه کمتر میکنند")